

پیش‌بینی کمال‌گرایی بهنجار و نوروتیک دختران توسط ابعاد
کمال‌گرایی مادران و الگوهای ارتباطی خانواده

**Prediction of Normal and Neurotic Perfectionism of Daughters based on
Perfectionism Dimensions of Mothers and Family Communication Patterns**

L. Hashemi, Ph.D.

دکتر لادن هاشمی *

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارسنجان، گروه روان‌شناسی

M. Latifian, Ph.D.

دکتر مرتضی لطیفیان

دانشیار بخش روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

دریافت مقاله: 89/10/13

دریافت نسخه اصلاح شده: 91/10/14

پذیرش مقاله: 91/11/21

چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی نقش کمال‌گرایی مادران و الگوهای ارتباطات خانواده در پیش‌بینی کمال‌گرایی بهنجار و نوروتیک فرزندان است. 200 دانش‌آموز دختر مقطع پیش‌دانشگاهی و مادرانشان شرکت‌کنندگان در پژوهش بودند و مقیاس چندبعدی کمال‌گرایی (فراست و همکاران، 1990) و ابزار تجدیدنظر شده الگوی ارتباطات خانواده (فیتزپاتریک و ریچی، 1990) را تکمیل کردند، ابزارها روایی و پایایی مطلوبی نشان دادند.

Abstract

This study examined the developmental origins of perfectionism. As such, the role of mothers' perfectionism and family communication patterns in normal and neurotic perfectionism of daughters was investigated in a group of 200 year 12 high school girls. Participants completed multidimensional perfectionism scale (Frost, Marten, Lahart & Rosenblate, 1990) and family communication patterns (Fitzpatrick & Ritchie, 1994).

* نویسنده مسئول: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارسنجان، گروه روانشناسی، ارسنجان، ایران

تلفن: 09171197792

* Corresponding author: Dept. of Psychology, Arsanjan Islamic Azad University, Arsanjan, Iran.

Instruments showed good reliability and validity. Findings indicated that normal and neurotic perfectionism of mothers' predicated normal and neurotic perfectionism of daughters. Also, conformity orientation as one dimension of communication patterns positively and significantly predicted neurotic perfectionism in daughters. In general, findings approve transgenerational of perfectionism and indicate that parents' personality characteristics and interactions of family members provide the context for the development of perfectionism that might be neurotic or normal. Other findings have been discussed in research.

Keywords: Developmental Origins, Normal and Neurotic Perfectionism, Family Communication Patterns.

یافته‌ها حاکی از آن بود که کمال‌گرایی نوروپیک و بهنجار مادران به ترتیب قادر به پیش‌بینی کمال‌گرایی نوروپیک و بهنجار دختران می‌باشد. از ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده نیز بعد جهت‌گیری هم‌نواپی، پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار کمال‌گرایی نوروپیک است. در مجموع، یافته‌ها مؤید انتقال بین نسلی کمال‌گرایی می‌باشد که نشان می‌دهد ویژگی‌های شخصیتی والدین و نحوه تعاملات اعضای خانواده به‌ویژه والدین زمینه‌ساز شکل‌گیری ویژگی شخصیتی کمال‌گرایی و تعیین نوع بهنجار یا نوروپیک آن می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: ریشه‌های رشدی، کمال‌گرایی بهنجار، کمال‌گرایی نوروپیک، الگوهای ارتباطی خانواده.

مقدمه

سازه کمال‌گرایی در تحقیقات روان‌شناختی 40 سال گذشته توجه قابل ملاحظه‌ای را به خود معطوف کرده است. این سازه به‌عنوان گرایش پایدار به برگزیدن معیارهای بسیار بالا، تلاش برای تحقق آن‌ها و درگیر شدن در فرایند خودارزیابی نقادانه تعریف شده است (فراست، مارتن، لاهارت و روزنبلت، 1990). پژوهش حاضر به بررسی ریشه‌های رشدی این سازه می‌پردازد.

در سال‌های اخیر ارتباط کمال‌گرایی با برخی مسائل و مشکلات روان‌شناختی و جسمانی مورد مطالعه قرار گرفته است. از جمله: مشکلات خواب (لاند، برومان، هتا و صابونچی، 1994)، سندرم بی‌قراری روده و الکلیسم (پاچت، 1984)، اهمال‌کاری (فراست و همکاران، 1990؛ سو، 2008)، اختلالات خوردن (اشبی، کاتمن و اسپوئن، 1998)، تمایل به خودکشی (هویت، فلت و وبر، 1994)، روابط شخصی آشفته (هیل، زرول و تورلینگتون، 1997؛ بشارت، 1383)، انواع ترس‌های خاص (بلانکستین، فلت، هویت و انگ، 1993)، اختلالات شخصیت (برودی، 1988)، اضطراب، خشم، پایین بودن اعتماد به‌نفس (استامپ و پارکر، 1999) و افسردگی (سادلر و بوکلند، 1995؛ یات و گیلبرت، 1998؛ رایس، اشبی و اسلانی، 1998). هم‌چنین برخی تحقیقات نشان می‌دهند که کمال‌گرایی ممکن است پیامدهای مثبتی نظیر تلاش، رقابت برای پیشرفت، خودشکوفایی (فلت و همکاران، به‌نقل از بشارت، 1383)، پیروی از وجدان، نظم، افزایش اعتماد به‌نفس، بردباری و استفاده از حداکثر توان (استامپ و پارکر، 1999)، انگیزش پیشرفت (ادکینز و پارکر، 1996)، توفیق‌گرایی (موفقیت‌طلبی) (فراست، هندرسون، 1991) را به همراه داشته باشد. در این راستا، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته تا جنبه‌های زیان‌آور سازه از جنبه‌های سودمند بی‌خطر آن متمایز گردد (اکانر و اکانر، 2003؛ شری، هویت، فلت و هاروی، 2003؛ بیلینگ، ایزرائیل و آنتونی، 2004؛ هیل و

همکاران، 2004؛ استوبر و اتو، 2006؛ استوبر، استول، پسچک و اتو، 2007). نظریه‌پردازان و محققان از عناوین مختلفی برای تمایز بین جنبه‌های مثبت و منفی این سازه استفاده کرده‌اند؛ عناوینی نظیر: کمال‌گرایی بهنجار و نوروتیک¹، کمال‌گرایی سازگارانه و ناسازگارانه²، کمال‌گرایی کارکردی و ناکارکردی³ و کمال‌گرایی مثبت و منفی⁴ (هاماچک، 1978؛ فراست و همکاران، 1999؛ پارکر، 2000؛ تری شورت و همکاران، 1995). در پژوهش حاضر از اصطلاحات نوروتیک در مقابل بهنجار، برای این تمایزگذاری استفاده شده است.

هاماچک (1978) معتقد بود کمال‌گرایان بهنجار می‌توانند به‌طور انعطاف‌پذیری استانداردهای کمال‌گرایانه را به‌کار ببرند و هرگاه موقعیت ایجاب کند در پی‌گیری موشکافانه اهدافشان احساس آزادی بیشتری کنند. این کمال‌گرایان از تلاش و رقابت برای برتری و کمال، لذت می‌برند و در عین حال محدودیت‌های شخصی را به رسمیت می‌شناسند؛ از سوی دیگر کمال‌گرایان نوروتیک نیز استانداردهای بالایی انتخاب می‌کنند اما به خود اجازه نمی‌دهند مرتکب اشتباه شوند. بنابراین، صرف‌نظر از میزان پیشرفت و دقتی که در کار دارند، همیشه احساس عدم رضایت و کم‌کاری را تجربه می‌کنند و از تلاش برای دست یافتن به معیارهایشان لذت نمی‌برند؛ زیرا همیشه بر این باورند که تلاش‌هایشان کافی نبوده است. فراست، مارتین، لاهارت و روزنبلت (1990) معتقدند عامل متمایزکننده کمال‌گرایی بهنجار از کمال‌گرایی نوروتیک، ارزیابی خود-انتقادگرانه از عملکرد یا پیشرفت است. به اعتقاد آنان کمال‌گرایی نوروتیک به میزان بیشتری با ارزیابی انتقادی و نه استانداردهای بسیار بالا است. پارکر (2000) طی تحقیقی، پرسشنامه ام‌پی‌اس-اف ساخته فراست و همکاران (1990) را بر روی 820 دانش‌آموز سرآمد اجرا کرد. این پرسشنامه شش خرده‌مقیاس به نام‌های: نگرانی درباره اشتباهات، شک و تردید درباره اعمال، انتظارات والدین، انتقادات والدین، استانداردهای شخصی و سازمان دارد. نتایج این تحقیق نشان داد که کمال‌گرایان کارکردی در خرده‌مقیاس‌های نگرانی درباره اشتباهات، انتظارات والدین، انتقادات والدین و شک و تردید درباره اعمال، نمره پایین و در خرده‌مقیاس سازمان، نمره بالا و در خرده‌مقیاس استانداردهای شخصی و نمره کل عملکرد متوسطی دارند. وی هم‌چنین دریافت که کمال‌گرایان ناکارکردی در همه خرده‌مقیاس‌ها به جز خرده‌مقیاس سازمان و نیز در نمره کل بالاترین نمرات را کسب می‌کنند.

علی‌رغم توجهی که به درک ماهیت کمال‌گرایی معطوف شده، مطالعات اندکی به چگونگی رشد این ویژگی در افراد پرداخته‌اند. محققانی که این موضوع را بررسی کرده‌اند ابتدا بر این که چگونه رشد کمال‌گرایی ممکن است با عوامل فرزندپروری مختلف مرتبط باشد، تمرکز داشته‌اند؛ و رشد کمال‌گرایی را محصول تعامل فرزندان با والدین‌شان می‌دانند (بارو و مور، 1983؛ برنز، 1980؛ دریسکل، 1982؛ میسلی‌لدین، 1963؛ و پاچت، 1984؛ انز، کاکس و کلارا، 2001). به عنوان مثال، کمال‌گرایان ممکن است در محیط‌های خانوادگی رشد کنند که در آن عملکرد پایین‌تر از حد کمال‌گرایان با انتقاد آشکار یا ضمنی مواجه می‌شود؛ در نتیجه، فرزندان والدین پر توقع ممکن است شیوه‌های کمتر انتقادی ارزشیابی از عملکرد خود را یاد بگیرند (میسلی‌لدین، 1963 و پاچت، 1984).

تحقیقاتی در حمایت از این فرض گزارش شده است که کمال‌گرایی در خانواده‌هایی که والدین شدیداً انتقادی هستند به سهولت رشد می‌کند (فراست، لاهارات و روزنبلت، 1991؛ فلت، هویت و سینگر، 1995؛ رایس، اشبی و پروسر، 1996). فراست و همکاران (1991) دریافتند که کمال‌گرایی در زنان دانشگاهی با سبک والدینی سخت‌گیرانه — که توسط خود آن‌ها گزارش شده — همراه است. رایس و همکاران (1996) و هم‌چنین کاومورا و همکاران (2001) طی تحقیقات جداگانه‌ای دریافتند افرادی که کمال‌گرایی نوروتیک دارند والدین‌شان را پرتوقع‌تر، مستبدتر و انتقادگرتر از کمال‌گرایان بهنجار توصیف می‌کنند. فلت، هویت و سینگر (1995) گزارش نمودند که کمال‌گرایی جامعه‌مدار یعنی احساس ضرورت رعایت معیارها و برآورده ساختن انتظارات تجویز شده از سوی افراد مهم (بعد منفی کمال‌گرایی در نظریه هویت و فلت، 1991)، در مردان دانشجوی با

سبک فرزندپروری مستبد همراه است؛ ولی برای زنان دانشجو چنین نتیجه‌ای به دست نیامد؛ در زنان، کمال‌گرایی خودمدار یعنی تمایل به وضع معیارهای سخت‌گیرانه برای خود و تمرکز بر نقص‌ها و شکست‌ها در عملکرد (بعد مثبت‌تر کمال‌گرایی در نظریه هویت و فلت، 1991)، با فرزندپروری مقتدرانه ارتباط داشت. در تحقیقی که کنی - بینسون و پومرانتز (2005) انجام دادند، دریافتند مادرانی که به شدت کنترل‌کننده هستند دارای فرزندانند که نگرانی‌های کمال‌گرایانه، به‌ویژه از نوع جامع‌مدار دارند.

علاوه بر بررسی سبک‌های فرزندپروری محققان این مسئله را نیز بررسی کرده‌اند که آیا کمال‌گرا بودن والدین در رشد کمال‌گرایی فرزندان شان نقش دارد؟ فراست، لاهارت و روزنبلات (1991) دو تحقیق برای ارزیابی نقش کمال‌گرایی والدین در رشد کمال‌گرایی در زنان دانشجو انجام دادند. آن‌ها دریافتند که کمال‌گرایی مادران همبستگی متوسطی با کمال‌گرایی دختران‌شان دارد و کمال‌گرایی پدران با کمال‌گرایی دختران رابطه ندارد. فراست و همکاران نتیجه‌گیری کردند که کمال‌گرایی والدین نقش مهمی در درک کمال‌گرایی فرزندان دارد و به نظر می‌رسد که جنسیت والدین نیز در انتقال کمال‌گرایی تفاوت ایجاد کند. ویت و ترول (1999) برای فرضیه‌های مدل‌سازی هم‌جنس حمایت‌هایی یافتند: سطح کمال‌گرایی خودمدار در دانشجویان با سطح کمال‌گرایی والدین هم‌جنس‌شان همبستگی مثبتی دارد. در همین راستا بارت و همکاران (2005) نیز دریافتند که رابطه مستقیمی بین کمال‌گرایی نورویتیک مادران و دختران‌شان وجود دارد؛ ولی این رابطه بین کمال‌گرایی پدران و دختران یافت نشد. در تحقیقی کیفی که توسط نیومیستر (2004) انجام گرفت، محقق درباره این‌که چگونه ابعاد مختلف کمال‌گرایی در افراد سرآمد رشد می‌کند با آن‌ها مصاحبه کرد؛ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که کمال‌گرایان خودمدار و جامع‌مدار رشد این‌گرایش را به فقدان تجربه شکست در سال‌های اولیه تحصیل‌شان نسبت می‌دادند. کمال‌گرایان جامع‌مدار در ضمن باور داشتند که کمال‌گرایی‌شان در نتیجه فشاری که آن‌ها از طرف والدین کمال‌گرایشان تجربه کرده‌اند به‌وجود آمده است. در مقابل، کمال‌گرایان خودمدار، کمال‌گرایی‌شان را به یادگیری اجتماعی ناشی از مدل‌سازی والدین‌شان از رفتارهای کمال‌گرایانه نسبت می‌دادند. لازم به ذکر است که گرایش‌های کمال‌گرایانه که در کودکی شکل می‌گیرد ممکن است توسط برخی عوامل نظیر الگوهای غیرواقع‌بینانه فرهنگ عامه و تأکید بر پیشرفت در سیستم آموزشی حفظ شوند.

با وجود این همپوشانی شواهد در تأیید انتقال کمال‌گرایی از نسلی به نسلی دیگر نبوده است. یافته‌های دو تحقیق رابطه ضعیفی بین کمال‌گرایی والدین و فرزندان‌شان نشان می‌دهند. اسکولر (2000) در تحقیقش روی کمال‌گرایان بهنجار و نورویتیک دریافت که کمال‌گرایان بهنجار خودشان را کمال‌گراتر از والدین‌شان می‌دانند. پارکر و استامپ (1996) در بررسی‌شان از رابطه بین کمال‌گرایی دانش‌آموزان سرآمد کلاس ششمی و والدین‌شان میزان اندکی از تأثیر والدین بر کمال‌گرایی یافتند که تنها 4% از واریانس نمرات کمال‌گرایی فرزندان را تبیین می‌کرد. جمع‌بندی نتایج تحقیقات مرور شده به خاطر تفاوت در تعریف عملیاتی از کمال‌گرایی نورویتیک و بهنجار و همین‌طور تفاوت در سنین شرکت‌کنندگان در تحقیق (دانشجویان در مقایسه با دانش‌آموزان مدارس راهنمایی) کار تفسیر را مشکل می‌سازد. لذا ضرورت انجام تحقیقاتی بیشتر برای روشن‌تر شدن ارتباط کمال‌گرایی والدین و فرزندان احساس می‌گردد.

از سویی دیگر تحقیقاتی که بر روی جوامع آسیایی و دانشجویان آسیایی تبار انجام گرفته حاکی از آن است که در جوامع آسیایی فرزندان اغلب معتقدند والدین بر سبک فرزندپروری مستبدانه تأکید دارند. بنابراین، این احتمال وجود دارد که کمال‌گرایی به سهولت در خانواده‌های آسیایی که والدین پر توقع و منتقد هستند رشد کند؛ چانگ (1998) دریافت که دانشجویان آسیایی - آمریکایی در مقایسه با دانشجویان هند و اروپایی سطوح بالاتری از کمال‌گرایی نورویتیک را نشان می‌دهند. تحقیقات اندکی که به بررسی ریشه‌های رشدی کمال‌گرایی در جوامع آسیایی پرداخته‌اند، بیشتر کشورهای جنوب شرقی آسیا نظیر چین و کره جنوبی را مدنظر قرار داده‌اند (نظیر چانگ، 1998) و تحقیقی که به جامعه ایرانی پرداخته باشد، یافت نمی‌شود.

از این رو تحقیق حاضر در پی آن است که با استفاده از پرسشنامه چند بعدی کمال‌گرایی فراست و همکاران (1990) که قادر به ایجاد تمایز بین اجزاء بهنجار و نوروتیک کمال‌گرایی می‌باشد، به بررسی رابطه بین نوع کمال‌گرایی مادران و دختران ایرانی بپردازد و مشخص سازد "آیا کمال‌گرایی مادران ایرانی قادر به پیش‌بینی کمال‌گرایی نوروتیک و بهنجار دخترانشان می‌باشد؟"

علاوه بر این، همان‌طور که ذکر شد محققان در بررسی ریشه‌های رشدی کمال‌گرایی علاوه بر کمال‌گرایی والدین نقش دیگر متغیرهای خانوادگی، نظیر شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی را نیز مورد بررسی قرار داده‌اند (نظیر، رم، 2005؛ نیومیستر، 2002). در واقع تمرکز این پژوهش‌ها بر فرایندهایی است که والدین در تعامل با فرزندان‌شان به کار می‌گیرند. در راستای شناخت بیشتر نقش خانواده در شکل‌گیری کمال‌گرایی فرزندان (علاوه بر کمال‌گرایی مادران) متغیر خانوادگی دیگری نیز در پژوهش حاضر مدنظر می‌باشد که الگوهای ارتباطات خانواده⁵ نام دارد. ارتباطات خانواده شیوه‌ای است که از طریق آن اطلاعات کلامی و غیرکلامی بین اعضای خانواده رد و بدل می‌شود (پستین و همکاران، 1993؛ به نقل از پیترسون و گرین، 1999). طی 30 سال گذشته تحقیقات زیادی در زمینه مدل‌های کارآمد ارتباطات والد-فرزندی بر اساس الگوهای ارتباطات خانواده انجام گرفته و چندین الگو در این زمینه ارائه شده است. الگویی که در تحقیق حاضر مدنظر می‌باشد توسط ریچی و فیتزپاتریک (1990، به نقل از فیتزپاتریک، 2004) و بر اساس تصحیح و توسعه مدل‌های پیشین ارائه شده است. این محققان دو بعد را برای الگوهای ارتباطات خانواده معرفی می‌کنند. این ابعاد جهت‌گیری گفت‌و شنود⁶ و جهت‌گیری هم‌نوایی⁷ نام دارند. به اعتقاد ریچی و فیتزپاتریک (1994، به نقل از کوئرر و فیتزپاتریک، 2002) این ابعاد باورهای اساسی تعیین‌کننده میزان ارتباط اعضای خانواده در زمینه افکار و احساسات‌شان هستند.

منظور از جهت‌گیری گفت‌و شنود، این است که خانواده‌ها تا چه حد شرایطی را به وجود می‌آورند که در آن تمام اعضای خانواده تشویق به شرکت آزادانه و راحت در تعامل، بحث و تبادل نظر درباره طیف وسیعی از موضوعات شوند. والدین خانواده‌های دارای جهت‌گیری گفت‌و شنود زیاد، به فرزندان خود و آنچه آن‌ها بیان می‌کنند علاقه دارند، برای آن‌ها اهمیت قائل هستند و از آن‌ها حمایت می‌کنند (هلسن، ولبرگ و میوس، 2003). ویژگی بعد دیگر ارتباطات خانواده یعنی جهت‌گیری هم‌نوایی، تأکید خانواده بر همسانی عقاید و نگرش‌ها می‌باشد. در خانواده‌های دارای جهت‌گیری هم‌نوایی زیاد، تعاملات بر هم‌نوایی و اجتناب از تعارض تکیه دارد. اعضای چنین خانواده‌هایی تشویق می‌شوند خود را با در نظر گرفتن عضویت‌شان در خانواده تعریف کنند. بنابراین خودپنداره‌های آنان عمدتاً به وسیله انتظاراتی که دیگران از آن‌ها دارند تعیین می‌شوند. در این خانواده‌ها ارتباطات بین دو نسل منعکس‌کننده حرف شنوی از والدین و بزرگسالان است (فیتزپاتریک، 2004).

به اعتقاد هامچک (1978) کمال‌گرایی نوروتیک ریشه در روش تأیید بچه‌ها در خانواده دارد. برای مثال والدینی که استانداردهای بسیار بالایی برای انجام کارهای‌شان دارند ممکن است باعث شوند فرزندان‌شان استانداردهای شخصی غیرواقع بینانه‌ای به منظور دست یافتن به پذیرش والدین در خود پرورش دهند. با توجه به این‌که در خانواده‌های دارای جهت‌گیری هم‌نوایی زیاد اعضای خانواده تشویق می‌شوند خود را با در نظر گرفتن عضویت‌شان در خانواده تعریف کنند و عقاید و نگرش‌هایی را دنبال کنند که دیگران آن‌ها را تأیید می‌کنند، رفته رفته نیاز به تأیید اجتماعی در آن‌ها شکل می‌گیرد. به نظر می‌رسد همین عامل نیاز به تأیید شدن و درونی کردن باورها و انتظارات دیگران (به‌ویژه والدین)، زمینه‌ساز رشد باورهای کمال‌گرایانه در فرزندان خانواده‌های با جهت‌گیری هم‌نوایی زیاد شود. در پژوهش حاضر صحت این فرضیات مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به مطالب ذکر شده هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر متغیرهای خانوادگی (کمال‌گرایی مادران و الگوهای ارتباطات خانواده) بر کمال‌گرایی نوروتیک و بهنجار دختران می‌باشد؛ علاوه بر این مقایسه تأثیرگذاری این متغیرها بر کمال‌گرایی دختران نیز مدنظر می‌باشد.

روش تحقیق

شرکت‌کنندگان پژوهش

نمونه تحقیق حاضر 200 دانش‌آموز دختر مشغول به تحصیل در مقطع پیش‌دانشگاهی و مادران آن‌ها بودند. این دانش‌آموزان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای از بین مدارس موجود در نواحی چهارگانه شهر شیراز انتخاب شدند. بدین ترتیب که از بین این نواحی، ناحیه 2 به صورت تصادفی انتخاب شد و از آن جایی که تنها یک مدرسه روزانه دولتی در این ناحیه وجود داشت تمام دانش‌آموزان رشته ریاضی فیزیک و علوم تجربی این مدرسه به عنوان نمونه انتخاب شدند و دو فرم پرسشنامه، یکی مربوط به دختران و دیگری مربوط به مادران بین آن‌ها توزیع شد. از آن‌ها درخواست گردید پرسشنامه‌های مربوط به خود را در کلاس تکمیل کنند و پرسشنامه‌های مادران در منزل تکمیل و بازگردانده شود. لازم به ذکر است که تعداد 50 پرسشنامه دختران و 90 پرسشنامه مادران، به دلیل عدم دقت یا نقص در پاسخگویی یا عدم بازگشت مورد تحلیل قرار نگرفت و در تحلیل نهایی نمونه دختران به 150 و نمونه مادران به 110 نفر تقلیل یافت.

/۴۱۲

ابزار پژوهش

الف- مقیاس چندبعدی کمال‌گرایی (ام پی اس-اف)

مقیاس چندبعدی کمال‌گرایی فراست (فراست و همکاران، 1990) که روی ارزشیابی‌های کمال‌گرایانه افراد درباره خودشان متمرکز است، قادر است بین اجزاء بهنجار و غیرسازگارانه کمال‌گرایی تمایز گذارد. این مقیاس که بر دیدگاه هامپک (1978) از کمال‌گرایی منطبق است، شامل ابعادی است که به وفور در ادبیات تحقیق در مورد کمال‌گرایی دیده شده است و 35 آیتم را در شش بعد دسته‌بندی می‌کند: 1. خرده‌مقیاس نگرانی درباره اشتباهات که منعکس‌کننده موارد زیر می‌باشد: واکنش منفی به اشتباهات، تمایل به برابر دانستن اشتباه با شکست و گرایش به باور داشتن این که شکست به از دست دادن احترام دیگران منجر خواهد شد (9 گویه)؛ 2. خرده‌مقیاس شک درباره اعمال که اندازه می‌گیرد چه قدر فرد به توانایی‌اش در کامل کردن تکالیف اطمینان دارد (4 گویه)؛ 3. خرده‌مقیاس استانداردهای شخصی که منعکس‌کننده برگزیدن انتظارات بالا برای خود است (6 گویه)؛ 4. ادراکی که فرد از انتظارات والدینش دارد (5 گویه)؛ 5. ادراک فرد از انتقادات والدین (4 گویه) و 6. نظم و سازمان (6 گویه) (فراست و همکاران، 1990).

برای احراز اطمینان از روایی مطلوب این مقیاس از روش تحلیل عوامل استفاده شد. نتایج تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی، با چرخش واریماکس، مؤید وجود 4 عامل در پرسشنامه بود. این 4 عامل حدود 50 درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند. ملاک استخراج عوامل، شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود. از آن جایی که آیت‌های دو عامل نگرانی درباره اشتباهات و شک درباره اعمال پس از حذف آیت‌های 18، 32 و 33 (به علت بار عاملی ضعیف) روی یک عامل بار داشتند، در هم ادغام شدند. عامل به دست آمده "نگرانی‌ها و شک‌ها" نام گرفت. این عامل در تحقیقات "کمال‌گرایی منفعل" 3 نام گرفته است (ادکینز و پارکر، 1996؛ لایند- استونسون و هیرن، 1999) و منعکس‌کننده اشتغال ذهنی به افکار ناراحت‌کننده و عدم قطعیت درباره مناسب بودن رفتار است و بخش مهمی از ارتباط کمال‌گرایی با آسیب‌شناسی روانی را تبیین می‌کند.

فراست و همکاران (1990) نیز معتقدند نگرانی درباره اشتباهات و شک درباره اعمال با کمال‌گرایی غیربهنجار و آسیب‌شناسی روانی و سازگاری روان‌شناختی پایین همراه است. آیت‌های خرده‌مقیاس‌های انتظارات و انتقادات والدین نیز به علت بار زیاد روی یک عامل (پس از حذف گویه شماره 3) ادغام شده، عامل جدید "فشارهای والدینی" نام گرفت. دو عامل سازمان و استانداردهای شخصی نیز پس از حذف آیت‌های 4 و 12 به صورت جداگانه با نام‌های اصلی خود حفظ شدند. بسیاری از محققان (نظیر استامپ و پارکر، 1999 و استوبر، 1998) نیز در تحقیقات خود اذعان داشته‌اند که تحلیل عاملی ام

پی اس - اف به روش اکتشافی نشان می‌دهد که آیتم‌های نگرانی درباره اشتباهات و شک درباره اعمال از یک سو و خرده‌مقیاس‌های انتظارات والدین و انتقادات والدین از سوی دیگر اساساً تنها یک عامل را اندازه می‌گیرند. ولی بیشتر آیتم‌های خرده‌مقیاس‌های استانداردهای شخصی و سازمان، فاکتورهای جداگانه‌ای را تعریف می‌کنند. بنابراین به‌طور کلی این محققان نیز در تحقیق خود 4 عامل را شناسایی کرده‌اند که همانند ساختار یافت شده در تحقیق حاضر است.

در تحقیق حاضر قابلیت اعتماد پرسشنامه ام پی اس - اف از روش هم‌سانی درونی (آلفای کرونباخ) به دست آمد. ضریب آلفا برای خرده‌مقیاس نظم و سازمان به ترتیب برای مادران و دختران برابر با 0/85 و 0/87؛ برای خرده‌مقیاس استانداردهای شخصی به ترتیب برای مادران و دختران برابر با 0/46 و 0/62؛ برای خرده‌مقیاس فشارهای والدینی به ترتیب برای مادران و دختران برابر با 0/62 و 0/74؛ برای خرده‌مقیاس نگرانی‌ها و شک‌ها به ترتیب برای مادران و دختران برابر با 0/70 و 0/61 و برای کل مقیاس به ترتیب برای مادران و دختران برابر با 0/77 و 0/72 بود که نشانه هم‌سانی درونی قابل قبول مقیاس است. لازم به ذکر است که سازندگان و سایر استفاده‌کنندگان (نظیر آلبارد و پارکر، 1997؛ پارکر و استامپ، 1995)، روایی و پایایی مقیاس را مطلوب گزارش کرده‌اند. با وجود این که ام پی اس - اف معمولاً با دانشجویان به کار می‌رود، با این حال معلوم شده که برای دانش‌آموزان (پارکر و استامپ، 1995) و والدین‌شان (پارکر و رافیلد، 1996) نیز ابزار مناسبی است.

نکته‌ای که لازم است یادآوری شود این است که کمال‌گرایی سازه‌ای کاملاً منفی نیست و باید بین جنبه‌های مثبت و منفی آن تمایز قائل شد. نظریه‌پردازانی نظیر آدلر (1956) معتقدند که برخی از جنبه‌های کمال‌گرایی نه تنها سالم و سودمند هستند بلکه برای انسان بودن ضروری‌اند و تمایل برای دست یافتن به کمال، امری ذاتی و فطری در وجود انسان است؛ بدین معنا که زندگی بدون آن غیرقابل تصور است. سؤالی که این‌جا مطرح می‌شود این است که چه تفاوتی بین تلاش‌های سالم برای دست یافتن به بهترین‌ها و اشتغال ذهنی نورویتیک به کمال وجود دارد؟

فراست و همکاران (1990) وجه تمایز کمال‌گرایان نورویتیک از بهنجار را نمره در خرده‌مقیاس‌های نگرانی درباره اشتباهات و شک و تردید درباره اعمال می‌دانند. به اعتقاد آنان کمال‌گرایان نورویتیک در این خرده‌مقیاس‌ها نسبت به کمال‌گرایان بهنجار به‌طور معناداری نمرات بالاتری به دست می‌آورند. از سوی دیگر کمال‌گرایان بهنجار در خرده‌مقیاس استانداردهای شخصی نمرات بالاتری نسبت به نورویتیک‌ها کسب می‌کنند. استامپ و پارکر (1999) در تحقیقی که بر روی ساختار عاملی پرسشنامه ام پی اس - اف و ارتباط آن با متغیرهای مثبت (نظیر نظم، بردباری، پیروی از وجدان و افزایش اعتماد به نفس) و منفی (کاهش اعتماد به نفس، افزایش ناسازگاری و روان رنجوری، افسردگی و دیگر اشکال فشار روانی) انجام دادند، دریافتند که متغیرهای منفی با دو مؤلفه نگرانی‌ها و شک‌ها و انتظارات و انتقادات والدینی و متغیرهای مثبت با مؤلفه‌های نظم و سازمان و استانداردهای شخصی رابطه دارند.

در تحقیق حاضر نیز با توجه به ادبیات تحقیق در این زمینه (به‌ویژه تحقیق استامپ و پارکر (1999) که تحلیل عاملی مشابه با تحقیق حاضر داشته‌اند) و اطلاعات به‌دست آمده از تحقیق هاشمی و لطیفیان (در دست چاپ) در خصوص همبسته‌های مثبت و منفی کمال‌گرایی، "نگرانی‌ها، شک‌ها" و "فشارهای والدینی" جنبه‌های نورویتیک کمال‌گرایی و "تمایل به نظم و سازمان" و "استانداردهای شخصی بالا" جنبه‌های بهنجار کمال‌گرایی در نظر گرفته شدند.

ب- ابزار تجدید نظر شده الگوی ارتباطات خانواده

این مقیاس شامل 26 گویه می‌باشد و توسط فیتزپاتریک و ریچی (1990، به نقل از فیتزپاتریک، 2004) جهت اندازه‌گیری ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده یا به عبارت دیگر ابعاد جهت‌گیری گفت‌و شنود و هم‌نوایی تهیه شده است. برای هر گویه طیف درجه بندی پنج‌گزینه‌ای (کاملاً نادرست تا کاملاً درست) در نظر گرفته شده است. روایی (به روش تحلیل عوامل و روایی محتوایی و ملاکی) و پایایی (به روش بازآزمایی و آلفا کرونباخ) مقیاس توسط سازندگان آزمون احراز گردیده است (کوئرنر و

فیتز پاتریک، 2002؛ فیتز پاتریک و ریچی، 1994). ویرایش فارسی این مقیاس از کورش نیا (1385) اقتباس گردیده است. کورش نیا (1385) پایایی و روایی مقیاس را مطلوب گزارش کرده است. در پژوهش حاضر برای احراز پایایی از روش آلفا کرونباخ و برای تعیین روایی از روش تحلیل عوامل استفاده شد. پایایی خرده مقیاس گفت و شنود 0/90 و خرده مقیاس جهت گیری همنوایی 0/91 حاصل شد که کاملاً منطبق با پایایی گزارش شده توسط سازندگان بود. نتایج تحلیل عاملی (به روش مؤلفه‌های اصلی) نیز وجود دو عامل را تأیید کرد. این دو عامل 50 درصد واریانس مقیاس را تبیین می‌کردند. تنها یک گویه (شماره 15) به علت بار عاملی کمتر از 30 از تحلیل‌ها کنار گذاشته شد. ارزش ویژه برای بعد جهت‌گیری گفت و شنود 6/95 و برای بعد جهت‌گیری همنوایی 5/96 به دست آمد.

یافته‌ها

از آن‌جا که برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش و انجام معادلات رگرسیونی، شناخت ارتباط ساده بین متغیرها ضرورت دارد؛ در ابتدا ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش محاسبه شد. جدول شماره 1 ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف معیار مقیاس‌های کمال‌گرایی دختران و مادران را نشان می‌دهد.

همان‌طور که ماتریس همبستگی نشان می‌دهد بین نمرات مادران در خرده مقیاس نگرانی‌ها و شک‌ها و نمرات دختران در همین خرده مقیاس رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. علاوه بر این بین نمرات مادران در خرده مقیاس فشارهای والدینی و نمرات دختران در خرده مقیاس‌های نگرانی‌ها و شک‌ها، فشارهای والدینی و استانداردهای شخصی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. پیش‌بینی کمال‌گرایی بهنجار و نورو تیک دختران توسط ابعاد.../74

جدول 1: ماتریس همبستگی میان متغیرها، میانگین و انحراف معیار

میانگین	انحراف استاندارد	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	
25/09	8										1	1- نگرانی‌ها و شک‌ها (دختران)
22/5	5/14									1	*0/30	2- فشارهای والدینی (دختران)
22/5	2/51								1	0/11	0/08	3- استانداردهای شخصی (دختران)
24/98	3/80							1	*0/27	0/02	-0/00	4- نظم و سازمان (دختران)
23/75	5/19						1	-0/00	0/06	*0/37	*0/33	5- نگرانی‌ها و شک‌ها (مادران)
21/93	4/57					1	*0/42	/14	*0/30	*0/41	*0/35	6- فشارهای والدینی (مادران)
15/52	2/15				1	*0/44	0/07	0/08	*0/40	**20	0/00	7- استانداردهای شخصی (مادران)
25/60	3/37			1	*0/32	0/19	-0/07	*0/37	*0/28	-0/04	-0/01	8- نظم و سازمان (مادران)
11/26	51/13		1	0/006	0/04	*-0/34	*-0/28	0/13	*0/17	*-0/38	**0/23	9- جهت‌گیری گفت و شنود
9/33	28/61	1	*-0/55	-0/10	0/12	*0/35	*0/37	0/004	-0/09	*0/48	**0/23	10- جهت‌گیری همنوایی

* معنادار در سطح $P < 0/001$ ** معنادار در سطح $P < 0/02$

بین نمرات مادران و دختران در خرده مقیاس استانداردهای شخصی نیز همبستگی معنادار وجود دارد. نمرات مادران در مؤلفه نظم و سازمان با نمرات دخترانشان در همین مؤلفه و مؤلفه استانداردهای شخصی همبستگی دارد. از میان ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، بعد گفت و شنود با ابعاد نورو تیک کمال‌گرایی (نگرانی‌ها و شک‌ها و فشارهای والدینی) رابطه منفی

معنادار داشت در حالی که بعد جهت گیری همنوایی با همین ابعاد رابطه مثبت معنادار نشان داد. به منظور بررسی قدرت پیش‌بینی کمال‌گرایی مادران بر کمال‌گرایی دختران رگرسیون‌های خطی چندمتغیره اجرا شد؛ نتایج معنادار این تحلیل‌ها در جدول شماره 2 آورده شده است.

جدول 2: نتایج تحلیل‌های رگرسیونی چندمتغیره جهت پیش‌بینی کمال‌گرایی دختران بر اساس کمال‌گرایی مادران

Sig	b	R2	R	F (Sig)	کمال‌گرایی دختران (متغیر ملاک)	کمال‌گرایی مادران (متغیر پیش‌بین)
0/05	0/20	0/18	0/46	4/875 (0/001)	نگرانی‌ها و شک‌ها	نگرانی‌ها و شک‌ها
0/008	0/32					فشارهای والدینی
0/03	0/23	0/23	0/48	6/435 (0/001)	فشارهای والدینی	نگرانی‌ها و شک‌ها
0/01	0/29					فشارهای والدینی
0/01	0/29	0/20	0/45 /417	5/60 (0/001)	استانداردهای شخصی	استانداردهای شخصی
0/001	0/37	0/15	0/38	3/808 (0/007)	نظم و سازمان	نظم و سازمان

یافته‌های جدول 2 نشان می‌دهد نمرات والدین در خرده‌مقیاس‌های نگرانی‌ها و شک‌ها و فشارهای والدینی قادرند نمره دختران در هر دو این خرده‌مقیاس‌ها را پیش‌بینی کنند؛ و نمره مادران در خرده‌مقیاس‌های استانداردهای شخصی و نظم و سازمان قادر است نمره دختران در همین خرده‌مقیاس‌ها را به صورت مثبت پیش‌بینی کند. به منظور بررسی این مسئله که هر یک از ابعاد الگوهای ارتباط خانواده تا چه حد و در چه جهتی ابعاد نوروپیک و بهنجار کمال‌گرایی را پیش‌بینی می‌کنند رگرسیون‌های خطی چندمتغیره کمال‌گرایی دختران بر این ابعاد اجرا شد، نتایج معنی این تحلیل‌ها در جدول شماره 3 آورده شده است.

جدول 3: نتایج تحلیل‌های رگرسیونی چندمتغیره جهت پیش‌بینی کمال‌گرایی دختران بر اساس ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده

Sig	b	R2	R	F (Sig)	ابعاد کمال‌گرایی دختران (متغیر ملاک)	ابعاد الگوهای ارتباطی (متغیر پیش‌بین)
NS (0/12)	0/18	0/06	0/26	3/38 (0/03)	نگرانی‌ها و شک‌ها	جهت‌گیری همنوایی
NS (0/39)	-0/10					جهت‌گیری گفت‌وشنود
0/001	0/39	0/24	0/49	14/68 (0/001)	فشارهای والدینی	جهت‌گیری همنوایی
NS (0/18)	-0/14					جهت‌گیری گفت‌وشنود
NS (0/92)	0/01	0/03	0/18	1/65 (NS)	استانداردهای بالا	جهت‌گیری همنوایی
NS (0/12)	0/19					جهت‌گیری گفت‌وشنود
NS (0/43)	0/09	0/01	0/14	0/88 (NS)	سازمان	جهت‌گیری همنوایی
NS (0/18)	0/16					جهت‌گیری گفت‌وشنود

همان‌طور که یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد جهت‌گیری همنوایی پیش‌بینی‌کننده مثبت فشارهای والدینی است. نتایج سایر معادلات رگرسیونی معنادار نبوده است. به منظور مقایسه قدرت متغیرهای کمال‌گرایی مادران و الگوهای ارتباطی

خانواده در پیش‌بینی کمال‌گرایی دختران هر دو این متغیرها به‌عنوان متغیر پیش‌بین وارد معادله‌های رگرسیونی شدند. جدول شماره 4 نتایج معنادار این تحلیل‌ها را نشان می‌دهد.

یافته‌های جدول 4 نشان می‌دهد در متغیرهای نگرانی‌ها و شک‌ها، استانداردهای شخصی و نظم و سازمان، ابعاد کمال‌گرایی مادران در مقایسه با ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده از قدرت بیشتری برای پیش‌بینی کمال‌گرایی دختران برخوردار است. پیش‌بینی کمال‌گرایی بهنجار و نورتیک دختران توسط ابعاد.../۴۱۷/

جدول 4: نتایج تحلیل‌های رگرسیونی چندمتغیره جهت پیش‌بینی کمال‌گرایی دختران بر اساس

ابعاد کمال‌گرایی مادران و الگوهای ارتباطی خانواده

Sig	b	R2	R	F (Sig)	کمال‌گرایی دختران (متغیر ملاک)	کمال‌گرایی مادران و ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده (متغیر پیش‌بین)
0/01	0/32	0/19	0/43	3/11 (0/008)	نگرانی‌ها و شک‌ها	فشارهای والدینی
0/02	0/28	0/33	0/57	6/73 (0/001)	فشارهای والدینی	جهت‌گیری هم‌نوایی
0/03	0/25	0/27	0/52	5/02 (0/001)	استانداردهای شخصی	استانداردهای شخصی
0/03	0/27					فشارهای والدینی
0/001	0/41	0/18	0/43	3/03 (0/01)	نظم و سازمان	نظم و سازمان

با این حال، در بعد فشارهای والدینی، قدرت پیش‌بینی جهت‌گیری هم‌نوایی از ابعاد کمال‌گرایی مادران بیشتر است.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که مطرح شد هدف تحقیق حاضر بررسی ریشه‌های رشدی کمال‌گرایی می‌باشد؛ از این‌رو قدرت پیش‌بینی متغیرهای خانوادگی کمال‌گرایی مادران و الگوهای ارتباطی خانواده بر کمال‌گرایی دختران مورد بررسی قرار گرفت. در خصوص بررسی قدرت پیش‌بینی کمال‌گرایی مادران بر کمال‌گرایی دختران یافته‌های ماتریس همبستگی و جداول رگرسیونی نشان می‌دهند بین نمرات مادران و دختران در خرده‌مقیاس نگرانی‌ها و شک‌ها (کمال‌گرایی نورتیک) رابطه مثبت معنادار وجود دارد. به عبارتی با افزایش کمال‌گرایی نورتیک مادران این خصیصه در دختران‌شان نیز افزایش نشان می‌دهد. این یافته با نتایج تحقیق سوئنس و همکاران (2005) که حاکی از وجود رابطه مستقیم بین کمال‌گرایی نورتیک مادران و دختران‌شان بود، هم‌راستا می‌باشد. علاوه بر این بین نمرات مادران و دختران در خرده‌مقیاس فشارهای والدینی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. در ضمن بین نمرات مادران در همین خرده‌مقیاس و نمرات دختران در خرده‌مقیاس نگرانی‌ها و شک‌ها ارتباط وجود دارد. به عبارتی هر چه انتظارات و انتقادات ادراک شده مادران از والدین‌شان بالاتر باشد کمال‌گرایی نورتیک دختران‌شان (نگرانی‌ها و شک‌ها درباره دستیابی به استانداردها) افزایش نشان می‌دهد. دو یافته اخیر شاهدهی بر انتقال بین نسلی کمال‌گرایی است. در همین زمینه یافته‌های رگرسیونی چندمتغیره نشان می‌دهد که نمرات مادران در خرده‌مقیاس‌های نگرانی‌ها و شک‌ها و فشارهای والدینی قادر است کمال‌گرایی نورتیک دختران‌شان و فشارهای والدینی آن‌ها را پیش‌بینی کنند. این یافته در راستای نتایج تحقیق رایس و همکاران (1996) و کاوامورا و همکاران (2001) می‌باشد که نشان دادند افرادی که کمال‌گرایی نورتیک داشتند والدین‌شان را پرتوقع‌تر، مستبدتر و انتقادگرتر از کمال‌گرایان بهنجار توصیف کردند.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان به این نکته اشاره کرد که کمال‌گرایان نورتیک پیوسته نگران استانداردهای شخصی خود هستند و غالباً این کار به قیمت از دست دادن رشد بالغانه و روابط رضایت‌بخش متقابل با دیگران انجام می‌شود (بلت، 1995؛ فراست و همکاران، 1990؛ بشارت، 1383). انتظار می‌رود والدین کمال‌گرای نورتیک به خاطر تمرکز انعطاف‌ناپذیر بر دستیابی

به استانداردهای‌شان، کمتر با رفتارهای فرزندان‌شان هماهنگ باشند. والدین کمال‌گرای نوروپیک ممکن است امیال و هنجارهایی را که احساس می‌کنند خودشان قادر به دستیابی به آن‌ها نیستند به فرزندان‌شان فرافکنی کنند، از آن‌ها ارزیابی‌های انتقادی زیادی داشته و وقتی فرزندان به این استانداردها دست پیدا نمی‌کنند به آن‌ها احساس گناه القا کنند. بنابراین انتظار می‌رود این والدین در فرزندپروری‌شان درگیر تأیید شرطی شوند. کودکی که پدر و مادر کمال‌گرا دارد هرگز احساس خشنودی نمی‌کند؛ زیرا پدر و مادر هرگز رفتار او را تأیید نکرده‌اند (میسیلدین، 1963). راجمن (1993) معتقد است روش‌های فرزندپروری کمال‌گرایانه احساس مسئولیت و گناه را افزایش می‌دهد. از دیدگاه کاهلر و کاپرز (1974)، به نقل از کلاین، (1992) پیش‌نویس یکی از سناریوهای اولیه‌ای که برای زندگی ما در دوران کودکی نگاشته می‌شود، ممکن است پیام "کامل باش" را القاء کند. سناریوی نهایی کودک در برابر چنین پیامی این‌گونه تدوین می‌شود که "من بی‌ارزش هستم". بر اساس رویکرد شناختی، ویژگی‌های کمال‌گرایانه زمینه‌ساز شکل‌گیری فرضیه‌ها و باورهای ناکارآمدی است که احساس گناه و مسئولیت بیش از اندازه را در برابر پندار و کردار خود پرورش می‌دهند (نظیری، بیرشک و محمدیان، 1378).

در خصوص ارتباط کمال‌گرایی بهنجار مادران و دختران یافته‌ها نشان می‌دهد که بین استانداردهای شخصی مادران و دختران رابطه مستقیمی وجود دارد. این یافته همسو با یافته‌های تحقیق انز، کاکس و کلارا (2001) می‌باشد که نشان می‌دهند والدینی که استانداردهای بالایی برای خودشان انتخاب می‌کنند، معمولاً فرزندانانی دارند که آن‌ها نیز استانداردهای بالایی برای خود انتخاب می‌کنند. این یافته‌ها را می‌توان در قالب رویکرد یادگیری مشاهده‌ای و یادگیری اجتماعی تبیین کرد. نکته جالب توجه دیگر این‌که بر اساس جدول ماتریس همبستگی، بین نمرات مادران در خرده‌مقیاس‌های فشارهای والدینی و استانداردهای شخصی آن‌ها رابطه وجود دارد ولی این رابطه در دختران مشاهده نشد؛ این یافته نشان می‌دهد انتظارات و انتقادات والدینی بالاتر مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها با افزایش استانداردهای مادران (دختران دیروز) همراه شده اما در مورد دختران این مطلب صدق نمی‌کند؛ یعنی انتظارات بالاتر مادران ارتباطی با افزایش استانداردهای دختران امروزی ندارد. این تفاوت‌ها را می‌توان تا حدودی به تفاوت نسل‌ها نسبت داد؛ به نظر می‌رسد نسل جوان استقلال‌طلبی بیشتری در انتخاب اهداف و استانداردهای شخصی خود و جسارت بیشتری برای به چالش کشیدن راه و رسم گذشتگان دارد. افزایش سن پدر و مادر شدن، کاهش تمایل به سبک‌های قدیمی خانواده و زیستن به سبک گذشته، تفاوت باورها و نگرش فرزندان نسبت به والدین و ارتباطات گسترده‌تر با جهان بیرون از محدوده خانه، همگی از مسائلی هستند که در زندگی خانوادگی امروز پدید آمده است و شکاف بین نسل‌ها را موجب می‌شود (محقق، 1390).

در زمینه رابطه بین نمرات مادران و دختران در خرده‌مقیاس نظم و سازمان، نتایج حاکی از آن است که بین این دو خرده‌مقیاس رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و التزام مادران به نظم و سازمان قدرت پیش‌بینی‌کنندگی زیادی برای همین خصیصه در دختران دارد. هم‌چنین بین نمرات مادران در این خرده‌مقیاس و ملاک‌های شخصی دختران رابطه وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیونی نیز نشان می‌دهد که کمال‌گرایی بهنجار مادران قادر به پیش‌بینی کمال‌گرایی بهنجار دختران می‌باشد. مجموع این یافته‌ها در خصوص ریشه‌های خانوادگی کمال‌گرایی بهنجار نشان می‌دهد که صرف داشتن انتظارات بالا از فرزندان منجر به انتخاب استانداردهای بالا توسط آنان نمی‌شود، بلکه والدینی که خود استانداردهای بالایی داشته و منظم و سازمان یافته عمل می‌کنند، الگوی مناسبی برای فرزندان خود بوده و منجر به شکل‌گیری تمایلات کمال‌گرایانه بهنجار نظیر انتخاب استانداردهای بالا در آنان می‌شوند.

به طور خلاصه نتایج این تحقیق در راستای تحقیقات پیشین مؤید الگوی بین نسلی در انتقال کمال‌گرایی می‌باشد و نشان می‌دهد که مادران کمال‌گرای نوروپیک دختران کمال‌گرای نوروپیک پرورش می‌دهند و هر چه دختران بر این باور باشند که انتظارات و انتقادات والدین از آنها سختگیرانه‌تر است کمال‌گرایی نوروپیک در آن‌ها افزایش می‌یابد؛ در ضمن مادرانی که کمال‌گرایی بهنجار دارند دخترانی دارند که کمال‌گرای بهنجار بوده و ملاک‌های شخصی بالایی دارند.

دیگر هدف پژوهش حاضر بررسی نحوه ارتباط الگوهای ارتباطی خانواده با ابعاد نوروپیک و بهنجار کمال‌گرایی دختران بوده است. یافته‌های ماتریس همبستگی حاکی از آن است که جهت‌گیری همنوایی که نشان‌دهنده تأکید خانواده بر همسانی نگرش‌ها، عقاید و رفتارها و اجتناب از تعارض می‌باشد با ابعاد نوروپیک کمال‌گرایی در فرزندان دختر رابطه مثبت معنادار دارد در حالی که جهت‌گیری گفت‌و شنود که نشان‌دهنده مشارکت همه اعضای خانواده در بحث و تصمیم‌گیری در مورد طیف وسیعی از موضوعات است، با همین ابعاد رابطه منفی معنادار دارد. جهت معکوس این رابطه‌ها با توجه به همبستگی متوسط و منفی بین جهت‌گیری همنوایی و گفت‌و شنود ($r = -0/55$) که مورد تأیید دیگر تحقیقات نیز می‌باشد (کوئرنر و فیتزپاتریک، 2002) قابل پیش‌بینی بود.

الگوی این همبستگی‌ها و رگرسیون معنادار خرده‌مقیاس فشارهای والدینی بر جهت‌گیری همنوایی، حاکی از آن است که این بعد ارتباطات خانواده بیشترین سهم را در تبیین کمال‌گرایی نوروپیک دختران دارد؛ در حالی که هر دو بعد در تبیین کمال‌گرایی بهنجار نقش تعیین‌کننده‌ای ندارند.

مقایسه قدرت متغیرهای کمال‌گرایی مادران و الگوهای ارتباطی خانواده در پیش‌بینی کمال‌گرایی دختران نیز حاکی از آن بود که در متغیرهای نگرانی‌ها و شک‌ها، استانداردهای شخصی و نظم و سازمان ابعاد کمال‌گرایی مادران از قدرت بالاتری برای پیش‌بینی کمال‌گرایی دختران برخوردار است. این یافته همسو با تحقیق پوتاوی و ویگنولز (2008) مؤید آن است که رفتار والدین (به‌ویژه مادر) الگو رفتار آینده فرزندان خواهد بود. در همین زمینه کرچمر (2002) دریافت مادر در درون بافت خانواده، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر رفتار فرزندان می‌باشد. با این حال در بعد فشارهای والدینی، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی جهت‌گیری همنوایی، از ابعاد کمال‌گرایی مادران پیشی می‌گیرد. از آنجا که در شکل‌گیری جهت‌گیری ارتباطات درون خانواده باورها، نگرش‌ها و رفتارهای هر دو والد (هم پدر و هم مادر) نقش مؤثری دارند، به نظر می‌رسد این یافته به طور ضمنی مؤید نقش مؤثر ویژگی‌های پدران (در کنار نقش مادران) در شکل‌گیری جزء نوروپیک کمال‌گرایی فرزندان می‌باشد. در خانواده‌هایی که همنوایی زیادی دارند، تعاملات میان اعضاء خانواده بر همگونی، اجتناب از تعارض و وابستگی متقابل اعضاء به یکدیگر متمرکز است و ارتباطات بین دو نسل، حرف‌شنوی از والدین را منعکس می‌کند. در چنین خانواده‌هایی از فرزندان انتظار می‌رود نسبت به علائق خانواده (به‌ویژه والدین) علائق خود را در درجه دوم اهمیت قرار دهند. در این خانواده‌ها والدین برای فرزندان تصمیم می‌گیرند و از فرزندان انتظار می‌رود مطابق خواسته‌های والدین رفتار کنند (کوئرنر و مکی، 2004). بنابراین منطقی به نظر می‌رسد جهت‌گیری همنوایی بیشتر با ادراک فشارهای والدینی (ادراک انتظارات و انتقادات بالاتر والدین) همراه باشد.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش همسو با مطالعات پیشین مؤید آن است که ویژگی‌های شخصیتی والدین و نحوه تعاملات اعضای خانواده، به‌ویژه والدین، زمینه ساز شکل‌گیری ویژگی شخصیتی کمال‌گرایی و تعیین نوع بهنجار یا نوروپیک آن می‌باشد. در خصوص مکانیسم این ارتباطات هامچاک (1978) که از اولین و مشهورترین نظریه‌پردازان در حوزه انواع کمال‌گرایی می‌باشد معتقد است انواع مختلف کمال‌گرایی نتیجه تجارب یادگیری مشاهده‌ای متفاوتی هستند. کمال‌گرایی بهنجار احتمالاً در نتیجه الگوبرداری از یک مدل منفی یا مثبت رشد می‌کند. الگوبرداری مثبت زمانی اتفاق می‌افتد که کودک شاهد آن است که والد از تبعیت انعطاف‌پذیر از استانداردهای کمال‌گرایانه احساس لذت و خشنودی می‌کند، در نتیجه نگرش مشابهی نسبت به کمال و کمال‌گرایی بهنجار پیدا می‌کند. در مقابل الگوبرداری منفی زمانی رخ می‌دهد که فرزندان بی‌نظمی (در هم ریختگی) والدینشان را مشاهده می‌کنند. این فرزندان در نتیجه تنش‌های ناشی از زندگی با والدین بی‌نظم و درهم ریخته معکوس عمل کرده و سعی می‌کنند منظم و دقیق باشند. از دیدگاه این نظریه‌پرداز محیط‌های عاطفی کمال‌گرایان نوروپیک نیز در دو طبقه قرار می‌گیرند: 1- محیط‌های غیرتأییدی یا با تأیید بی‌ثبات 2- محیط‌هایی با تأیید مثبت شرطی. فردی که در دسته اول قرار می‌گیرد هرگز نمی‌داند چگونه والدینش را خشنود کند، در نتیجه ممکن است در تلاش برای به‌دست

آوردن تأیید والدینش گرایش‌های کمال‌گرایانه را بپذیرد. در موقعیت دوم، فرد ممکن است خیلی سریع یاد بگیرد که عشق والدین به میزان موفقیت‌هایش وابسته است و بنابراین برای اطمینان از دریافت این عشق، گرایش‌های کمال‌گرایانه را می‌پذیرد. با توجه به پیامدهای منفی قابل توجهی که کمال‌گرایی نوروپاتی برای فرد به بار می‌آورد این یافته‌ها حائز نکات تربیتی سودمند برای خانواده‌ها جهت تربیت فرزندان است. به‌طور کلی تئوری‌ها و تحقیقات تجربی در زمینه ریشه‌های رشدی کمال‌گرایی هم‌سو با یافته‌های این پژوهش بر نقش روابط از هم گسیخته والد-فرزندی تأکید دارند. به‌عنوان مثال یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد جهت‌گیری هم‌نوایی در ارتباطات اعضای خانواده با کمال‌گرایی نوروپاتی در دختران رابطه دارد. در خانواده‌هایی که جهت‌گیری هم‌نوایی زیادی دارند حرف آخر را بزرگترها می‌زنند (هوانگ، 1999؛ به نقل از کورش‌نیا، 1385) در این خانواده‌ها از والدین انتظار می‌رود تا برای همه اعضای خانواده تصمیم‌گیری کنند و از فرزندان انتظار می‌رود تا مطابق با خواسته‌های والدین خود رفتار کنند (فیتزپاتریک، 2004). این نوع برخورد، به نوجوانان که در مرحله مهم و حساسی از نظر شکل‌گیری هویت و شخصیت هستند لطمات زیادی وارد می‌کند؛ از جمله این که ممکن است موجب شود آن‌ها برای جلب پذیرش و تأیید والدین پرتوقع خود استانداردهای بالا و غیرواقع‌بینانه‌ای انتخاب کنند و مدام خود را برای دست نیافتن به این استانداردها سرزنش کرده و درگیر خودانتقادی‌های مخرب و شدیدی شوند که زمینه‌ساز مشکلات روحی — روانی متعددی نظیر افسردگی، اضطراب و میل به خودکشی می‌شود، از این رو با توجه به این که خانواده از بسیاری جهات برای کمک به سازگاری و سلامت روانی و رفتاری فرزندان بافت منحصر به فردی محسوب می‌شود؛ توصیه می‌شود که والدین در نحوه برخورد، مکالمات و گفت‌وگوهای خود با فرزندان خود توجه کافی را مبذول دارند تا درگیر مشکلات این چنینی نگردند. در آخر به محققان علاقه‌مند به حوزه رشد کمال‌گرایی پیشنهاد می‌شود نحوه شکل‌گیری این ویژگی شخصیتی را در پسران مدنظر قرار دهند تا تفاوت‌های جنسیتی احتمالی آشکار گردد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|----------------------------------|-----------------------------|
| 1. Normal and Neurotic | 6. Conversation orientation |
| 2. Adaptive and Maladaptive | 7. Conformity orientation |
| 3. Functional and Dysfunctional | 422/ |
| 4. Positive and Negative | |
| 5. Family communication patterns | |

منابع

- بشارت، م. (1383). «رابطه کمال‌گرایی و مشکلات بین شخصی». دانش‌ور رفتار، 11(7)، 8-1.
- کورش‌نیا، م. (1385). بررسی تأثیر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر میزان سازگاری روانی فرزندان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز. محقق، آ. (1390). تقابل نسل‌ها در سایه ارزش‌ها. روزنامه ایران، شماره 5034، (1390/12/23) ص. 13.
- نظیری، ق.، بیرشک، ب.، و محمدیان، م. (1387). شیوه‌های فرزندپروری کمال‌گرایانه پدران و مادران عامل زمینه‌ساز اختلال وسواسی-اجباری. مجله اندیشه و رفتار، 5(3)، 1-7.
- هاشمی، ل. و لطیفیان، م. (در دست چاپ). بررسی روایی و پایایی مقیاس چند بعدی کمال‌گرایی فراست MPS-F.

- Ablard, K. E., & Parker, W. D. (1997). Parents' achievement goals and perfectionism in their academically talented children. *Journal of Youth and Adolescence*, 26(6), 651
- Adkins, K. K., & Parker, W. D. (1996). Perfectionism and suicidal preoccupation. *Journal of Personality*, 64, 529-543.
- Adler, A. (1956). Striving for superiority. In H. L. Ansbacher & R. Ansbacher (Eds.), *The individual psychology of Alfred Adler: A systematic presentation in selections from his writings*. New York: Harper & Row.
- Ashby, J. S., Kottman, T., & Schoen, E. (1998). Perfectionism and eating disorders reconsidered. *Journal of Mental Health Counseling*, 20, 261-271.
- Barrow, J., & Moore, C. A. (1983). Group interventions with perfectionist thinking. *Personnel and Guidance Journal*, 61, 612-615.

- Bart, S., Andrew, J. E., Goossens, L., Vansteenkiste, M., Luyten, P., & Duriez, B. (2005). The Intergenerational transmission of perfectionism : Parents' psychological control as an intervening variable. *Journal of Family Psychology, 19*(3), 358–366
- Bieling, P. J., Israeli, A. L., & Antony, M. M. (2004). Is perfectionism good, bad, or both? Examining models of the perfectionism construct. *Personality and Individual Differences, 36*, 1373-1385.
- Blankstein, K. R., Flett, G. L., Hewitt, P. L., & Eng, A. (1993). Dimensions of perfectionism and irrational fears: An examination with the fear survey schedule. *Personality and Individual Differences, 15*, 323-328.
- Blatt, S. J. (1995). The destructiveness of perfectionism. *American Psychologist, 50*(12), 1003-1020.
- Brodsky, S. F. (1988). Perfectionism and Millon basic personality patterns. *Psychological Reports, 63*, 791-794.
- Burns, D. (1980). The perfectionist's script for self-defeat. *Psychology Today, November*, pp. 34–51.
- Driscoll, R. (1982). Their own worst enemies. *Psychology Today, July*, pp. 45–49.
- Enns, M. W., Cox, B. J., & Clara, I. (2001). Adaptive and maladaptive perfectionism: Developmental origins and association with depression proneness. *Personality and Individual Differences, 33*, 921-935.
- Fitzpatrick, M. A. (2004). The family communication patterns theory: Observation on its development and application. *Journal of Family Communication, 4*, 167-179.
- Fitzpatrick, M. A., & Ritchie, L. D. (1994). Communication schemata within the family: Multiple perspectives on family interaction. *Human Communication Research, 20*, 275-301

- Flett, G. L., Hewitt, P. L., & Singer, A. (1995). Perfectionism and parental authority styles: Individual psychology. *Journal of Adlerian Theory, Research and Practice, 511*, 50–60.
- Frost, R. O., Marten, P., Lahart, C., & Rosenblate, R. (1990). The dimensions of perfectionism. *Cognitive Therapy and Research, 14*, 449-468.
- Frost, R. O., Lahart, C. M., & Rosenblate, R. (1991). The development of perfectionism: A study of daughters and their parents. *Cognitive Therapy and Research, 15*, 469–489.
- Frost, R. O., & Henderson, K. J. (1991). Perfectionism and reactions to athletic competition. *Journal of Sport and Exercise Psychology, 13*, 323-335.
- Hamachek, D. E. (1978). Psychodynamics of normal and neurotic perfectionism. *Psychology, 15*, 27-33.
- Hill, R. W., Zull, M. C., & Turlington, S. (1997). Perfectionism and interpersonal problems. *Journal of Personality Assessment, 69*, 81-103.
- Helesen, M., Vollebergh, W., & Meeus, W. (2003). Social support from parents and friends and emotional problems in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence, 29(3)*, 319-335.
- Hewitt, P. L., & Flett, G. L., & Weber, C. (1994). Dimensions of perfectionism and suicide ideation. *Cognitive Therapy and Research, 18*, 439-460.
- Hill, R. W., Huelsmann, T. J., Furr, R. M., Kibler, J., Vicente, B. B., & Kennedy, C. (2004). A new measure of perfectionism: The Perfectionism Inventory. *Journal of Personality Assessment, 82*, 80-91.
- Kawamura, K. Y., Frost, R. O., & Hamartz, M. G. (2002). The relationship of perceived parenting styles to perfectionism. *Personality and Individual Differences, 32*, 317-327.
- Kenney-Benson, G. A., & Pomerantz, E. M. (2005). The role of mother's use of control in children's perfectionism. *Journal of Personality, 73*, 23.
- Klien, M. (1992). The enemies of love. *Transactional Analysis Journal, 22*, 79-81
- Koerner, F. A., & Fitzpatrick, M. A. (2002). Toward a theory of family communication. *Communication Theory, 12(1)*, 70-91.
- Koerner, F. A., & Maki, L. (2004, July). *Family communication patterns and social support in families of origin and adult children's subsequent intimate relationships*. Paper presented at the International Association for Relationship Research Conference, Madison.
- Kretchmar, M. (2002). Observant mother-child relationship across generation boundary patterns attachment and the transmission of care giving. *Journal of Family Process, 64*, 351-374.
- Lundh, L. G., Broman, J. E., Hetta, J., & Saboonchi, F. (1994). Perfectionism and insomnia. *Scandinavian Journal of Behavior Therapy, 23*, 3-18.
- Lynd-Stevenson, R. M., & Hearne, C. M. (1999). Perfectionism and depressive affect: The pros and cons of being a perfectionist. *Personality and Individual Differences, 26*, 549-562.
- Missildine, W. H. (1963). *Your inner child of the past*. New York: Simon & Schuster.
- Neumeister, K. L. S. (2002). Perfectionism in gifted college students: Family influences and implications for achievement. *By Review, 02783193, Fall2003, 26, Issue 1*.
- Neumeister, K. L. S. (2004). Factors influencing the development of perfectionism in gifted college students. *The Gifted Child Quarterly, 48(4)*, 259.
- O'Connor, R. C., & O'Connor, D. B. (2003). Predicting hopelessness and psychological distress: The role of perfectionism and coping. *Journal of Counseling Psychology, 3*, 362-372.
- Pacht, A. R. (1984). Reactions on perfectionism. *American Psychologist, 39*, 386-390.
- Parker, W. D., & Raffield, T. (1996). Perfectionism in academically talented children and their parents. *Journal of Youth and Adolescence, 26*, 651-667
- Parker, W. D., & Stumpf, H. (1995). An examination of the Multidimensional Perfectionism Scale with a sample of academically talented children. *Journal of Psychoeducational Assessment, 13*, 372-383.
- Parker, W. D. (2000). Healthy perfectionism in the gifted. *The Journal of Secondary Gifted Education, 11(4)*, 173.
- Peterson, R., & Green, S. (1990). *Families first-key to successful family functioning: Communication*. Virginia: Virginia cooperative Extension.
- Powdthavee, N., & Vignoles, A. (2008). Mental health of parents and life satisfaction of children: A within-family analysis of intergenerational transmission of well-being. *Social Indicators Research, 88*, 397-422.
- Rachman, S. (1993). Obsessions, responsibility and guilt. *Behavior Research and Therapy, 31*, 149-154.

- Ram, A. (2005). *The relationship of positive and negative perfectionism to academic achievement, achievement, motivation, and well-being in tertiary students*. Unpublished master thesis, University of Canterbury, New Zealand.
- Rice, K. G., Ashby, J. S., & Preusser, K. J. (1996). Perfectionism, relationships with parents, and self-esteem. *Individual Psychology: Journal of Adlerian Theory, Research and Practice*, 52(3), 246–260.
- Rice, K. G., Ashby, J. S., & Slany, R. B. (1998). Self-esteem as a mediator between perfectionism and depression: A structural equation analysis. *Journal of Counseling Psychology*, 45, 304–314.
- Saddler, C. D., & Buckland, R. L. (1995). The Multidimensional Perfectionism Scale: Correlations with depression in college students with learning disabilities. *Psychological Reports*, 77, 483–490.
- Schuler, P. A. (2000). Perfectionism in the gifted adolescent. *Journal of Secondary Gifted Education*, 11, 183–196.
- Sherry, S. B., Hewitt, P. L., Flett, G. L., & Harvey, M. (2003). Perfectionism dimensions, perfectionistic attitudes, dependent attitudes, and depression in psychiatric patients and university students. *Journal of Counseling Psychology*, 50, 373–386.
- Stober, J. (1998). The Frost Multidimensional Perfectionism Scale revisited: More perfect with four (instead of six) dimensions. *Personality and Individual Differences*, 24, 481–491.
- Stoerber, J., & Otto, K. (2006). Positive conceptions of perfectionism: Approaches, evidence, challenges. *Personality and Social Psychology Review*, 10, 295–319.
- Stoerber, J., Stoll, O., Peschke, E., & Otto, K. (2008). Perfectionism and achievement goals in athletes: Relations with approach and avoidance orientations in mastery and performance goals. *Psychology of Sport & Exercise*, 9(2), 102–121.
- Stumpf, H., & Parker, W. D. (1999). A hierarchical structural analysis of perfectionism and its relation to other personality characteristics. *Personality and Individual Differences*, 28, 837–852.
- Terry-Short, L. A., Owens, R. G., Slade, P. D., & Dewey, M. E. (1995). Positive and negative perfectionism. *Personality and Individual Differences*, 18, 663–668.
- Vieth, A. Z., & Trull, T. J. (1999). Family patterns of perfectionism: An examination of college students and their parents. *Journal of Personality Assessment*, 72, 49–67.
- Wyatt, R., & Gilbert, P. (1998). Dimensions of perfectionism: A study exploring their relationship with perceived social rank and status. *Personality and Individual Differences*, 24, 71–79.